

امروز ما مولانا

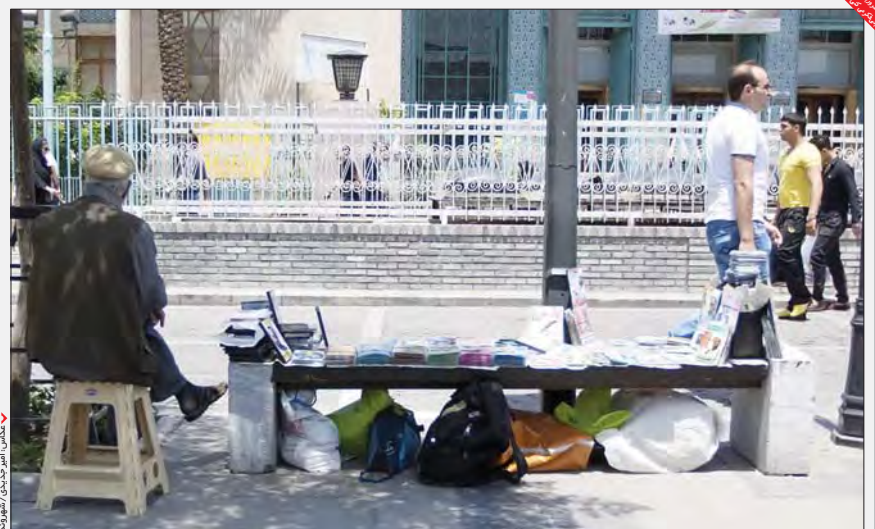
خوش باش که خوش نهاد باشد صوفی
کیخسرو و کیقباد باشند صوفی

صوفی صاف است غم بر او ننشیند
کیخسرو و کیقباد باشند صوفی

یک خبر یک نگاه

محو کاخ عشرت آباد میان ساخت و ساز

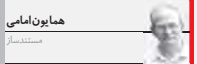
اسکلت‌کافی فضای اطراف کاخ عشرت آباد لحظه به لحظه بالاتر می‌روند. اکنون منظر بصری کلاه فرهنگی از سمت جنوب کاملاً کور شده است. این در حالی است که بارها بارها مسئولان میراث فرهنگی و شورای شهر عنوان کردند که با مالکان کنونی این اثر برای توقف این ساخت و سازها به توافق رسیده‌اند. کاخ کلاه فرنگی عشرت‌آباد در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۴۶ با شماره ثبت ۶۴۸ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و عمارت کلاه فرنگی در خارج تهران، در میدان عشرت‌آباد (میدان سپاه)، یادگار عشرت‌آباد (یادگار ولیمبر) جای گرفته است. از بازدید احمد که گزارش شد، پیش‌تر پس از بازدید احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر و مسئولان میراث فرهنگی و شورای ۶ منطقه ۶ تهران که این کلاه فرنگی هم در آن جای گرفته قرار بود که با مسئولان سپاه برای صیانت از این کاخ وارد مذاکره شوند اما در حال حاضر روند



وقتی کلانشهرها توازن خود را از دست می‌دهند

می‌کنند یا به وجود آنها من می‌زنند در این شرایط با اختلاف فرهنگی یا حداقل نوعی تنوع فرهنگی مواجه هستیم که متأسفانه در سراسر مترو، اتوبوس و دیگر قطارهای شهرهای داخل می‌کنند در چنین شرایطی توازن کلانشهرها از دست می‌رود و چندگانگی به وجود می‌آید. در مجموع باید گفت ریشه‌های فرهنگ در اقتصاد پنهان شده‌اند اگر اقتصاد درست شود، به صورت خود به خود مناسبات فرهنگی هم اصلاح می‌شوند. ما در شرایط زندگی می‌کنیم که جامعه حاکم شده است. رشد این فناوری با سرعتی سرسام‌آزاد می‌آید تا آنجا که به‌عنوان مثال تلفن همراه هر کدام ما تنها چند ماه قبل قد بدین‌چنین گونه را با خود بیاید می‌کنند. اما چند ماه بعد گونه جدیدتری می‌آید و این سیکل به صورت بی‌پایان ادامه پیدا می‌کند. خلاصه نظر بگردیم در موبایل وقتی وارد جامعه‌ای می‌شود که محل ایجاد

خود به خود در فضای عصبیت قرار گرفته‌اند. در این شرایط کافی است یک نفر در صف اتوبوس و بدون رعایت نوبت جلوی آنها قرار بگیرد تا خمیازه‌ها فروخورده و تمام عصبیتشان را بر سر او خالی کنند. معضلات اقتصادی و بودجه‌های متغییر بین آمد و رفت هزینه‌های زندگی، عامل اصلی وجود چنین مشکلاتی است. از همین رهاکننده شلواره نامی عفت‌هایی که باعث دیگر خست‌های رفتاری می‌شود این ساله است از سوی دیگر شاهد دخالت فرهنگ در چنین چرخه‌های هسته‌ای و قیمت آن شده است. است که وقتی مناسبات اجتماعی سر جای خود نباشند، همه چیز را و ته می‌شود به‌عنوان مثال وقتی در روستاهای دیگروزیان توتون‌فروش در سرتی، با وجود شرایط مساعد و هر حرفه اصلی خود پرکارند، به شهر می‌آیند و به این دلیل که با زندگی شهری خوگیرند، به صورت خود به خود و بدون نشان تنبیه، برخی رفتارها را ایجاد



همايون امامي

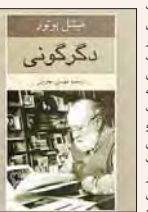
امیت شعلی و اقتصادی مردم و به‌طور کلی مناسبات اقتصادی حاکم بر روابط اجتماعی ما بر پرزور نسبیاری از معضلات اجتماعی تأثیر می‌گذارد. واقعیت این است که وقتی مردم به لحاظ معیشتی دچار مشکل و مجبور باشند برای گذران زندگی در جاهای مختلفی کار کنند، خسته می‌شوند و نیمه‌جان به خانه‌هاشان بازمی‌گردند. فرد وقتی عصبی می‌شود دیگر تحمل تحمل کوچکترین دیگروزی و سر و صدای رفتن را هم ندارد. این مشکلات و عصبیت‌ها می‌کند که هر روز در کوچه و خیابان شاهدش هستیم. همین موضوعات اقتصادی است مردم ما امروز

برش

عاشقانه‌ای که رنگ می‌بازد

امیشل بوتور

«دگرگونی» روایت زندگی سرد میسائلی است که در کربلوراد ماجرای عاشقانه‌ای رنگ می‌بازد و در جست‌وجوی هستی از دست رفته به درون خودش عقب می‌زند و در این حال و هوا آنچه به کنشی واقعی در او می‌آید و در نهایت تغییر یافته اوست که در انتها منجر به تصمیمی متفاوت شود. این کیندوکار درونی شخصیت اصلی رمان، زوال آدمی است که هیچ کار به خود نشناخته نبوده و در خیال پرزادی‌های ماهانه شخصی عاشق بی‌سند قدمی می‌کرده است. او برای مقابله با واقعیت و روبرویی با آنها لحظه‌لحظه زندگی‌اش را همچون پلان‌های یک فیلم به تصویر می‌کشد که مخاطب از شنیدن آن به روی خسته نمی‌شود. قطار نماد زندگی است، حرکت‌ها و سکون‌ها این



امیشل بوتور

شاعر

دیوارهای شیراز از نای نفس ندارد

دیوارهای شهر فرهنگی شیراز چند سال می‌شود که شکل بازیابی به خود گرفته است این موضوع از آنجا شروع شد که عده‌ای مثل طلب با نایه گرفتن حقوق شهروندان دیگر برای کسب درآمد، اسپریتی رنگی به دست گرفتند. دیوارهای شیراز از محل مناسبی برای تبلیغات دانستند.



بی مناسبت

هر انسان ویژگی خاص خود را دارد و رفتار و اعمالش مشخص خود اوست. به همین دلیل نمی‌توانید در این دنیا، دو نفر را پیدا کنید که تمام رفتار و عقایدشان شبیه به یکدیگر باشد. اما تنها موضوعی که شاید تمام انسان‌های کره زمین درباره آن نظر همسو داشته باشند، آن است که هر طرز زندگی‌اش آن گونه که باید، به‌مسئول سادگی اهمیت نداد. امروز سرم به سنگ خورده و به این نتیجه رسیده‌ام که مسائل علمی حتی در پیشبرد اهداف علمی هم تأثیر بسیاری دارند. من سلسله‌های بخش‌انگیزه گرفته‌ام اما هیچ‌یک از آنها نمی‌تواند علم را به نفع من تبدیل کند. علم به نفع من تبدیل می‌شود اما به نفع من تبدیل نمی‌شود. علم به نفع من تبدیل می‌شود اما به نفع من تبدیل نمی‌شود. علم به نفع من تبدیل می‌شود اما به نفع من تبدیل نمی‌شود.

کودکان امروز، فرهنگ گذشته را بیاموزیم

سر بسته محدود می‌شود، که بسیار تأثیر گذار است. کلاس‌های متعددی که این روزها در سطح شهر برگزار می‌شود در ترمیم رفتارهای کودکان تأثیر می‌گذارد. کلاس‌های موسیقی بسیاری از خانواده‌ها و کودکان قرار گرفته است زیرا موسیقی می‌تواند به بچه‌ها نکات مفیدی بیاموزد. در این کلاس‌ها کودکان یاد می‌گیرند چگونه معاشرت کنند. در سراسر موضوعات مختلف فکر کنند و رفتار مناسبی یاد بگیرند. کودکان امروز ما با سبک‌های آمل و فشار گرفتن در مسیر درستی که خانواده‌هاشان برایشان برمی‌گزینند، می‌توانند از آشنایی با سبک برخورد دارند و برای جامعه، فردی متبک و تأثیر گذار به حساب بیایند. بحث درباره کودکان امروز در کشور ما یکی از مباحث مهم است و می‌توانیم که کارگاه آموزشی نیز در سراسر ایران برای بهبود تربیت کودکان اجرا می‌شود که خود این نیز سبب آموزش و تربیت کودکان، تأثیر بسیاری دارد. در این کارگاه‌ها، گاهی آموزش می‌دهم و برای کودکان مثال‌هایی را می‌زنم که می‌تواند مفید برایان باشد. بچه‌ها دیگر، تفهیم نبودن برای مثال روز خانه را ببینند. روز خانه با همان کلمات بیلوانی، یکی از آن محافل است که می‌شود آند، احترام و موازین درست زندگی را در آن دید، و به‌بچه‌ها نیز آموزش داد. تاریخ کشورمان و روابط یک فرد، مردم ما باید یکدیگر برای کودکان محبت کرد. کودکان هیچ چیز را با دقت نگاه می‌کنند و آنها را نیز در رفتار و زندگی خود پیاده می‌کنند.



سودابه سالم

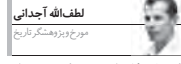
هر انسان ویژگی خاص خود را دارد و رفتار و اعمالش مشخص خود اوست. به همین دلیل نمی‌توانید در این دنیا، دو نفر را پیدا کنید که تمام رفتار و عقایدشان شبیه به یکدیگر باشد. اما تنها موضوعی که شاید تمام انسان‌های کره زمین درباره آن نظر همسو داشته باشند، آن است که هر طرز زندگی‌اش آن گونه که باید، به‌مسئول سادگی اهمیت نداد. امروز سرم به سنگ خورده و به این نتیجه رسیده‌ام که مسائل علمی حتی در پیشبرد اهداف علمی هم تأثیر بسیاری دارند. من سلسله‌های بخش‌انگیزه گرفته‌ام اما هیچ‌یک از آنها نمی‌تواند علم را به نفع من تبدیل کند. علم به نفع من تبدیل می‌شود اما به نفع من تبدیل نمی‌شود. علم به نفع من تبدیل می‌شود اما به نفع من تبدیل نمی‌شود.

سئون خودانتقادی



موقعیت‌هایم از دست رفت!

بازر من در زندگی شخصی و علمی است و به‌عنوان ریشه در تعلق از زادبوم من است. من در باره‌ای موزاد مناسب با وضع موجود نبودم. بارها برای ایجاد مشکل کرده‌ام و حتی موقعی قابل توجهی بر سر پیشرفتم قرار داد. بخشی از این ویژگی‌ها در مناظرها برایم مشکل ایجاد کرد. مناظر من با یک چهره‌میسایی در برنامه رویه که به‌زبان گسترده‌های داشت، یکی از همان مصاحبه‌ای است که هنوز است، پس از راه‌های برابرم مشکلات را به وجود می‌آورد. یکی از انتقادهای دیگر به لطف‌آمل اجتناب است که در طول زندگی‌اش آن گونه که باید، به‌مسئول سادگی اهمیت نداد. امروز سرم به سنگ خورده و به این نتیجه رسیده‌ام که مسائل علمی حتی در پیشبرد اهداف علمی هم تأثیر بسیاری دارند. من سلسله‌های بخش‌انگیزه گرفته‌ام اما هیچ‌یک از آنها نمی‌تواند علم را به نفع من تبدیل کند. علم به نفع من تبدیل می‌شود اما به نفع من تبدیل نمی‌شود. علم به نفع من تبدیل می‌شود اما به نفع من تبدیل نمی‌شود.



لطف‌آمل آجانی

اگر هر فردنگاه‌ای از سر دقت به گذشته خود داشته باشد، نشانه‌های تاریخی رفتار و زندگی خود می‌بیند. من نیز چنین وضعی را مشاهده می‌کنم. یکی از نقاط ضعف و درخور انتقاد برای من، از دست دادن فرصت‌هایی در سنین متفاوت بودند. منظور از متفاوت بودن این فرصت‌ها این است که جزو معدود موقعیت‌هایی هستند که ممکن است در زندگی آدم‌ها اتفاق بیفتند. به‌عنوان مثال در زمان دانشجویی در دوره کارشناسی ارشد فرصت بسیار مناسبی برای حضور در عرصه‌های علمی و روزگار مورخ‌چاره داشتم که متأسفانه به‌خوبی از دست‌رفته است. در سال‌های آموختن و پژوهشی از آن فرصت‌ها در زمانم دور شده است. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم می‌گویم کاش آن فرصت‌ها استفاده می‌کردم. بخشی از افسوس من به آن خاطر است که قدر قدر موقعیت‌ها را ندانستم. به‌عنوان مثال در زمینه کاری وزارت امور خارجه در کار گزیم. متأسفانه آن موقعیت‌ها دست‌رفت‌شده است. به‌عنوان مثال در عرصه‌های علمی و روزگار مورخ‌چاره داشتم که متأسفانه به‌خوبی از دست‌رفته است. در سال‌های آموختن و پژوهشی از آن فرصت‌ها در زمانم دور شده است. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم می‌گویم کاش آن فرصت‌ها استفاده می‌کردم. بخشی از افسوس من به آن خاطر است که قدر قدر موقعیت‌ها را ندانستم.